

ضرورت تدوین فرهنگ قرآن و علوم

مصطفی محامی

قرآن کلام خدا و تجلی اسمای حسنی و صفات علیای حق تعالی است که همه اندیشه های حقیقت جو و خردورز را به دل سپاری فرا می خواند:

«کتاب أنزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الألباب» ص/۲۹

قرآن معجزه جاودانه رسول گرامی اسلام(ص) و تنها نسخه شفاف و فرجامین وحی آسمانی است که راه و رسم زندگی توحیدی و سعادت آفرین را به انسان می آموزد:

«یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم» انفال/۲۴

قرآن به عنوان پیام هدایت الهی برای انسان، همه ساحت های حیات مادی و معنوی را در بر می گیرد. در این کتاب جامع، همه قلمروهای زندگی مادی و معنوی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، دنیایی و آخرتی و جز آن از آغاز آفرینش و مبداء شناسی تا مسیر و برنامه زندگی و سر منزل نهایی همه مورد توجه تشریح الهی است. فضای بی کران معارف قرآن از جنین تا جنان و از ملک تا ملکوت و از ذره تا کهکشان را فرا می گیرد و در یک کلام همه لوازم هدایت و تربیت انسان را در خود نهفته دارد:

«و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء»

در احادیث متعدد، قرآن به عنوان کتابی حاوی علم و اخبار هر آنچه در جهان رخ داده و خواهد

داد مطرح می شود^۲، هر چند خرد

آدمیان قادر به درک همه این علوم نیست. ۳ بنابراین یکی از ویژگیهای ممتاز و منحصر به فرد قرآن کریم عمق و ژرفای شگفت آور آن است، و تاریخ نشان داده است که راز جاودانگی و ماندگاری قرآن درجاری زمان و تازگی و طراوت همیشگی آن برای افکار و اندیشه های بشر همین عمق و ژرفای آن است که همچون دریایی بی کران، غواصان فکر و فهم را در خود می پذیرد و هیچ گاه به نقطه پایان نمی رساند، زیرا مخاطب قرآن فطرت و زوال ناپذیر آدمی در هر عصر و نسل و نژاد است. بدین جهت پیامهای قرآنی در بردارنده محتوایی ژرف، فرا زمانی، فرا مکانی و جهان شمول است.

از سوی دیگر در این چند قرن اخیر، و در پی رشد چشمگیر علوم تجربی در غرب، بیشترین معارضه با کتابهای آسمانی و متون دینی به نام علم صورت گرفته است. با التفات به بخشهای مختلف علوم، از اخترشناسی کوپرنیک و زیست شناسی داروین گرفته تا روان شناسی فروید، ادعا بر این بوده که برخی اکتشافات علمی، بعضی از آموزه های بنیادی کتابهای آسمانی را ابطال و یا - دست کم - سست می کنند. یکی از پرسشهایی که در ارتباط با قرآن مطرح شده است، مسئله رابطه قرآن به عنوان آخرین و کامل ترین هدیه آسمانی و علوم؛ یعنی محصول تلاش فکری اندیشمندان جهان، اعم از علوم انسانی و علوم طبیعی می باشد که از مدتها پیش ذهن و فکر فرهیختگان را به خود مشغول ساخته است و در این رابطه پرسشهای اساسی مطرح است، از جمله:

۱. رابطه قرآن با علم چگونه است؟ الف. تداخل (به معنای وجود همه علوم بشری در قرآن)؛ ب. سازگاری و توافق و تأیید؛ ج. تعارض به صورت تعارض مستقر یا بدوی؛ د. جدایی مطلق (در حوزه و قلمرو).

۲. دلالت قرآن بر گزاره های علمی چگونه است؟ الف. مطابقی؛ ب. التزامی؛ ج. اشاره ای؛ د. غیره.

۳. قلمرو گزاره ای علمی مستفاد از قرآن تا چه اندازه است؟ الف. همه علوم؛ ب. کلیات علوم؛ ج. سرچشمه های علوم؛ د. جزئیات علوم.

۴. گزاره های علمی در چه ساحتی از قرآن است، به عبارت دیگر قرآن تا چه اندازه گزاره های علمی را فراگرفته است؟ الف. ظاهر؛ ب. باطن؛ ج. هر دو.

۵. با توجه به اینکه هدف نهایی قرآن هدایت است، گزاره ها و ارشادات علمی چه جایگاه معرفت شناختی دارد؟

۶. چه آثاری بر استناد (برداشت) گزاره های علمی از قرآن مترتب می شود؟

۷. کدام یک از روشهای تفسیر علمی از قرآن صحیح است؟ الف. استخراج علوم از قرآن؛ ب. تحمیل و تطبیق علوم بر قرآن؛ ج. استخدام علوم در فهم قرآن؛ د. روش دیگر و

این پرسشها نیازمند کاوشهای جداگانه هستند که با استفاده از عقل و منطق و به دور از هرگونه علم زدگی و پرهیز از قشری گری و ظاهرنگری و با جمع آوری دیدگاه های دانشمندان و نظریات جدید معاصر در مورد هرمنوتیک و مسائل زبان شناسی، اصول و مبانی روش تفسیر صحیح علمی از متن جاودانه قرآن را تدوین و ارائه نماید. برای مثال بحث درباره خلقت و تکامل انسان که منشأ آن را نه از خاک بلکه از حیوان انسان نما می داند، و نظریه روان کاوی فروید که حقایق آسمانی را عامل سرکوب امیال دانسته و حقانیت آن را مخدوش می سازد، و نظریه کیهان شناسی نیوتن، ماکس پلانک و نسبیت انیشتین با تلقی جدید از علیت و زمان که نحوه ارتباط خداوند با جهان را تحول می بخشد، و نیز پیشرفت های جدید رایانه ای و هوش مصنوعی یا کشف مولکول های DNA که نگرش انسان شناسی قرآن را به مخاطره می اندازد.

اما بدون تردید به عنوان یک اصل موضوعی و مسلم، پذیرفته شده است که قرآن کریم به عنوان تنها نسخه بی بدیل وحی الهی که از تحریف و تصرف بشری محفوظ مانده است، اگر چه نقش اصلی و اساسی آن هدایت انسان و رساندن او به معارف حقیقی می باشد و درصدد بیان مسائل علمی نبوده است، اما حاوی گزاره هایی از علوم می باشد و آموزه های علمی بسیاری را مطرح ساخته است ۵ که به صراحت یا ظهور قابل برداشت می باشد که به نمونه هایی نظیر حرکت خورشید، حرکت کوهها و زمین، لقاح گیاهان و زوجیت آنها، حرمت گوشت خوک و خون ۶ می توان اشاره کرد.

و این مفاهیم بیانگر واقعیت است، نه اینکه بر طبق فهم و عرف زمانه ارائه شده باشد. و مدار برداشت از قرآن بر محور کشف قصد و اراده الهی از آیات قرآن و معنی داری و فهم پذیری متن آن می باشد که عقل، نص وحی ۷، سنت و منش پیامبر و امامان معصوم (ع) و سیره جاری مسلمانان شاهد و گواه آن هستند.

افزون بر این، اعتقاد به فهم ناپذیری قرآن با توصیفهایی که در آیات وحی برای قرآن آمده مانند هدایت، موعظه، ذکر، شفا، نور و ... ناسازگار می نماید. بر این اساس، تفسیر، وسیله ای برای نزدیک شدن و کشف معانی و مدلولات قرآن و فهم آن است و شرط انتساب سخنی به قرآن آن است که به

گونه ای روشمند از متن قرآن کشف شود و نحوه استناد آن به متن نشان داده شود، زیرا قرآن اگر چه به هدف فهم مردم نازل شده، ولی با این حال کتابی است در نهایت فصاحت و بلاغت و شیوایی و پر از کنایه، استعاره، تمثیل، تشبیه، اشاره، رمز و بدایع ادبی. و نیز به اقتضای فرایند نهضت اسلام و شکل گیری جامعه اسلامی عصر پیامبر(ص) نازل شده و فهم آن نیازمند آگاهی نسلهای بعدی از فضاهای نزول آیات و آگاهی از نشانه های پیوسته و ناپیوسته متن قرآنی است. بنابراین پژوهش و دستیابی به مفاهیم که در حوزه علوم مختلف در قرآن کریم بیان شده است نیازمند کاوشهای ژرف و گسترده و روشمند می باشد که علاوه بر اتقان، به واژه ها و الفاظ بسنده نشود، بلکه به معنی و مفهوم واژه ها، عبارتها و پیامهای قابل استفاده دقت شود و پس از مقایسه با اصول و بدیهیات عقلانی و احراز سازگاری با آنها و نیز احراز سازگاری با سایر گزاره های یقینی قرآنی مورد استفاده قرار گیرد. و این مهم جز از عهده قرآن پژوهان ژرف اندیش و متخصص در گرایشهای علمی ساخته نیست؛ کسانی که از هرگونه افراط و تفریط برحذر باشند و حریم قرآن این آخرین سروش آسمانی را که از ابعاد گوناگون، مانند فصاحت، بلاغت، محتوای عالی، اخبار غیبی و علمی و... معجزه می باشد حفظ نمایند، زیرا هرگونه تساهل و تسامح در راستای فهم این متن مقدس، درخور سخت ترین نکوهش است:

«أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها» محمد/۲۴

بدیهی است که استخراج مفاهیم علمی قرآنی و تدوین فرهنگ بزرگ قرآن و علوم بر اساس اصول و مبانی شناخته شده تفسیری و نیز اصول و مبانی شناخته شده علمی تلاش عمیق و همه جانبه این گونه متخصصان را می طلبد.

علاوه می دانیم که حقایق هزار لایه قرآن بر بال اندیشه و جان همگان فرود نمی آید و راه یابی به کنه باطن آن ویژه صافی ترین جانهاست «لایمسه الا المطهرون» (واقعه/۷۹) و نیز علاوه بر محکمت، متشابهاتی دارد که هضم آن درخور اندیشه فرهیختگان و نخبگان بشری و راسخان در علم است «و ما يعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم» و دیگران از پرتو نور وجود ایشان می توانند از این فیض سرمدی بهره مند گردند.

این نکته نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد که قرآن کریم اگر چه به هدف فهم مردم از سوی خدای سبحان در قالب زبان مفاهمه عربی جای گرفته است و زبان آن، عرفی است، با همه کنایه، استعاره، مجاز و...، اما با همه اینها وحی است و تودرتو و رازآلود، و نمودهایی از زبان رمزی، علمی و ادبی نیز در خود دارد. انسانها در حدّ وسع خود می توانند از آن بهره گیرند و آن را کشف کنند. تاریخ طولانی تفسیر که با صبغه های گوناگون به نگارش درآمده و هر روش نکاتی درخود دارد که دیگری ندارد، شاهد گویایی بر درستی ادعای فوق است. از این رو ضمن احتیاط کامل در راستای صحت و اتقان برداشتها نباید از شائبه تفسیر به رأی پروا داشت، بلکه با جرأت و شهامت، اهل فن در هر رشته ای باید با قرآن سخن بگویند و پرسشهای خود را مطرح کنند و با عقلانی تر کردن انتظارات شان پاسخ دریافت دارند.

گامی دیگر به سوی گسترش قرآن

با توجه به شرایط مذکور و لزوم تحقق آن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن قم وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در پی راه اندازی موفق پروژه عظیم فرهنگ قرآن و انتشار اولین جلد آن و در

راستای استفاده درست و قانونمند و هوشیارانه از فرهنگ و معارف ناب قرآنی، اقدام به راه اندازی گروه جدیدی با عنوان «گروه تخصصی فرهنگ قرآن و علوم» نمود.

اهداف و اولویتها

هدف اساسی گروه، تدوین مجموعه عظیم «فرهنگ قرآن» و فراهم آوردن زمینه های مناسب برای دستیابی آسان و سریع دانشمندان در رشته های مختلف علمی به معارف قرآنی در گرایش علمی مورد نظر خودشان می باشد. و نیز برای جامعیت بخشیدن به پروژه عظیم فرهنگ عمومی قرآن کریم، نتایج تحقیقات هر یک از گروه های تخصصی در رده الفبایی خود در آن مجموعه عظیم اشرا ب خواهد شد. «گروه فرهنگ قرآن و علوم» در پژوهشهای تخصصی اولویت را به آن دسته از علوم و مفاهیم داده است که علاوه بر نیاز محافل علمی فرهنگی به آن، اطلاعات چشمگیری نیز برای آنها از قرآن می توان به دست آورد. این گروه با استفاده از گروه های تخصصی مزبور تحت نظارت علمی جمعی از فرهیختگان و قرآن پژوهان صاحب نام و دارای مدارج عالی علمی و حوزوی فعالیت می کند و نیز از همکاری متخصصان صاحب نظر در گرایشهای مختلف علمی به عنوان استادان ناظر پروژه ها بهره مند می شود.

عناوینی که تا کنون پژوهش درباره آنها آغاز شده است عبارتند از:

۱. فرهنگ قرآن و مفاهیم سیاسی
۲. فرهنگ قرآن و مفاهیم جامعه شناسی
۳. فرهنگ قرآن و مفاهیم تربیتی
۴. فرهنگ قرآن و مفاهیم زیست محیطی
۵. فرهنگ قرآن و مفاهیم حقوقی (در گرایش های چهارگانه حقوق عمومی، خصوصی، جزا و جرم شناسی و بین الملل).

و نیز طرح هایی در دست مطالعه دارد که عبارتند از:

۱. فرهنگ قرآن و کیهان شناسی
 ۲. فرهنگ قرآن و روان شناسی
 ۳. فرهنگ قرآن و مفاهیم اقتصادی.
- همچنین طرحهایی در این راستا قابل مطالعه هستند که عبارتند از: فرهنگ قرآن و عرفان، کلام، فلسفه، علم ژنتیک، پزشکی، هنر، زبان شناسی، مدیریت و ...
- در راستای تحقق این اهداف بلند، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، صاحب نظران، قرآن پژوهان و دانش آموختگان حوزه های مزبور را به همکاری فرا می خواند.

۱. علم به معنای آگاهی و دانستن، در مقابل جهل و نادانی، اعتقاد یقینی مطابق با واقع در برابر جهل بسیط و مرکب و به مجموعه ای از قضایا که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته شده و مجموعه قضایای کلی اعم از حقیقی و اعتباری و مجموعه قضایای کلی حقیقی، حسی و تجربی (Science) اطلاق می شود، و در عرصه رابطه قرآن و علوم و تدوین فرهنگ آن، علم به معنای علم تجربی اعم از انسانی و طبیعی در نظر گرفته می شود.

- محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ۶۱/۱، با اندکی تصرف
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۵۹/۱، باب الرد الی الکتاب و السنه و انه لیس شیء من الحلال و الحرام و جمیع مایحتاج الناس الیه و قد جاء فی کتاب و سنه.
۳. همان، ۶۰/۱ و ۱۵۸/۷.
۴. خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، ۳۳۵، با اندکی تلخیص و تطبیق.
۵. اگر چه گروهی از فرهیختگان مسلمان اعتقاد دارند که همه علوم و معارف بشری از ظواهر آیات قرآن به دست می آید؛ برای نمونه می توان به سخنان امام محمد غزالی و استاد جوادی آملی، البته با تبیینهای مختلف اشاره کرد. عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید، ص ۳۲۸
۶. سوره یس، آیه ۳۸-۴۱؛ سوره نحل، آیه ۸۹؛ سوره حجر، آیه ۲۲؛ سوره یس، آیه ۳۶ و...؛ سوره بقره، آیه ۱۷۳.
۷. فخررازی ۱۴ آیه از خود قرآن را به عنوان دلیل فهم پذیری قرآن ذکر می کند. التفسیر الکبیر، ۳/۲.

